

۲۰ نویسنده ۶۰ داستان

جلد اول

سوکارهای بر آبی دریا

آندرو لام - یوسپ نوواکوویچ
ادویج دانتیکا - جویس کرول اوتس

گردآورنده و مترجم

اسدالله امرایی

تهران-۱۳۸۴

امرایسی، اسدالله، ۱۳۳۹ - ، گردآورنده و مترجم.

۲۰ [بیست] نویسنده ۶۰ [شصت] داستان / گردآورنده و مترجم اسدالله امرایی. - تهران: آمیتیس، ۱۳۸۴. -

ج ۵

ISBN: 964-95143-8-4 (ج ۱). ریال: ۱۴۰۰۰

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

مندرجات: ج. ۱. سوکوآره‌ای بر آبی دریا. -

۱. داستان‌های کوتاه -- مجموعه‌ها. الف. عنوان.

۸۰۸/۸۳۱

ب ۷۷ الف / PZ1

۸۳-۲۹۰۹۲ م

کتابخانه ملی ایران

همراه: ۰۹۱۲۱۹۰۵۹۲۲

ص. پ: ۱۳۲۲-۱۳۱۵۵

انتشارات آمیتیس

۲۰ نویسنده ۶۰ داستان (جلد اول)

سوکوآره‌ای بر آبی دریا

گردآورنده و مترجم: اسدالله امرایی

طرح روی جلد: داود کاظمی

حروفنگار و صفحه‌آرا: سعید رستمی

ناظر چاپ: عمید روبیانی

چاپ اول: ۱۳۸۴

لیتوگرافی: سایه

چاپ: گنجینه چاپ تهران

صحافی: نصر

شمارگان: ۱۶۵۰ نسخه

بها: ۱۴۰۰۰ ریال

شابک دوره: X-۰۰-۸۷۸۷-۹۶۴ ISBN: 964-8787-00-X

شابک: ۴-۸-۹۵۱۴۳-۹۶۴ ISBN: 964-95143-8-4

کلیه حقوق متعلق به ناشر است و نقل از کتاب فقط با ذکر منبع مجاز است.

فهرست مطالب ●

۵	یادداشت مترجم
۷	درباره نویسنده / اندرو لام
۱۱	بیشتر تاریخ و سایه‌ها
۲۵	سوکارهای بر آبی دریا
۳۱	داستان‌های مادر بزرگ
۳۹	درباره نویسنده / یوسپ نوواکویچ
۴۷	آجرها
۶۵	خرمن جو
۸۵	یخ
۸۹	درباره نویسنده / ادویچ دانتیکا
۹۵	خواب پروانه
۹۹	صلح مفقود
۱۱۱	فارغ التحصیل
۱۱۹	درباره نویسنده / جویس کرول اوتس
۱۳۳	پس از مرگ
۱۳۷	گرما
۱۵۱	روسری

به جای مقدمه

مدت ها بود که دلم می خواست مجموعه ای گردآوری کنم که فقط یک داستان از یک نویسنده نباشد و خواننده وقتی کتاب را خواند از یاد نبرد چه داستانی خوانده و نویسنده کی بوده. بر همین مبنا طرح یک به علاوه سه را پیشنهاد دادم که دوستانم پذیرفتند. یک نویسنده و سه داستان رشد کرد و به یست نویسنده و شصت داستان رسید. همین مجموعه ای که جلد اول آن پیش روی شماست. و جلد های دیگرش اگر عمری باقی باشد به همت دوستان به دستان خواهد رسید.

اصلاً چرا باید داستان بخوانیم. مگر همین داستان ها را زندگی نکرده ایم. داستان به ما کمک می کند راحت تر زندگی کنیم و زندگی خود را با زندگی دیگران بسنجیم. کم و زیادش را ببینیم و بعد شاید تغییری. در هر جلد چهار نویسنده معرفی شده است و برای رعایت مساوات دو نویسنده زن و دو نویسنده مرد را انتخاب کرده ام. در میان نویسندگان، هم از تثبیت شدگان و نام های مطرح استفاده کرده ام و هم به نوآمدها و امیدهای مطرح ادبیات داستانی جهان گوشه چشمی داشته ام. تأکید بیشتر بر ادبیات داستانی امریکا از آن جهت است که

خاستگاه داستان کوتاه، امریکا است. هر چند از روزگاری که ادگار آلن پو و ناتانیل هاتورن اصول اولیه و نمودار نمایشی آن را معرفی کردند تا به امروز بسیاری تغییرات در این زمینه صورت پذیرفته و نام‌های بی‌شماری مطرح شده‌اند.

ادیات اقلیت‌ها و مهاجران در امریکا رو به گسترش گذاشته و امروزه بسیاری از نام‌های مطرح از مهاجران هستند، کسانی که حرفی برای گفتن دارند. روزگاری تنها نقش آفرینان عرصه داستان‌نویسی مردان بودند و حتی زنانی که ذوقی در این زمینه داشتند، با نام مردانه می‌نوشتند. اما امروز صفحه این عرصه به گونه‌ای دیگر رقم می‌خورد.

نویسندگان این مجموعه در جلد اول تبارشان به ویتنام، کرواسی و هائیتی برمی‌گردد و جوئیس کرول اوتس نام آور بزرگ داستان امروز امریکا نیز در میان آن‌هاست. امید که موردپسند خوانندگان قرار گیرد.

اسدالله امرایی

درباره نویسنده

آندرو لام نویسنده و روزنامه‌نگار ویتنامی‌الصل امریکایی و مفسر رادیو، متولد سایگون است. او در سال ۱۹۷۵ که یازده سال داشت به دنبال پایان جنگ ویتنام و شکست امریکا به آن کشور مهاجرت کرد. در روزنامه‌ها و مجلات معتبری مانند نیویورک تایمز، لس آنجلس تایمز و نیشن کار می‌کند. داستان‌های کوتاه لام در آمراسیا، کرب اورکیرد ریویو و فصل نامه‌های معتبر دانشگاهی چاپ و منتشر می‌شود. لام با آثارش جایزه انجمن روزنامه‌نگاران حرفه‌ای، جایزه بزرگ روزنامه‌نگار جوان، جایزه بین‌المللی شورای جهانی روزنامه‌نگاری و جایزه ملی انجمن روزنامه‌نگاران امریکا و آسیا را به دست آورده است.

آندرو لام در سال ۱۳۸۰ به ایران سفر کرد و در جلسات داستان‌خوانی سمینار ادبیات داستانی و گفت‌وگوی فرهنگ‌ها شرکت داشت.

گفت‌وگو با نویسنده

اگر امکان داشته باشد مختصری درباره خودتان بگویید و این که زندگی‌تان پیش از آن‌که دریابید استعداد نویسندگی خلاقه دارید چگونه بوده است؟

در سال ۱۹۷۵ به امریکا آمدم، آن موقع یازده ساله بودم. تازه از ویتنام

آمده بودم که داغ جنگ را داشت و در سیام آوریل آن سال جنگ را به پایان برده بود. اصلاً نمی دانستم چه برنامه ای دارم و چه کاره خواهم شد. به مدرسه رفتم و خوب، درس خواندم و به دانشگاه برکلی کالیفرنیا رفتم و با مدرک کارشناسی بیوشیمی فارغ التحصیل شدم. بعد از مدتی از مسائل علمی خسته شدم و سراغ ادبیات خلاصه رفتم و در کلاس های نویسندگی دانشگاه دولتی سان فرانسیسکو ثبت نام کردم و گیر افتادم. مصمم شدم که به طور تمام وقت به نویسندگی بپردازم. بعدها به استخدام روزنامه درآمدم و حالا هم در کنار روزنامه نگاری به نوشتن داستان کوتاه مشغولم.

از کی انگیزه نوشتن پیدا کردید؟

فکر می کنم همیشه چیزی برای گفتن داشته ام، حتی بچه که بودم نیز این حس را داشتم. این انگیزه در واقع ندایی بود که می شنیدم، ندای درونی خودم، البته. اما آن ندا بالغ تر از خودم بود. دوران کودکی و نوجوانی ام خیلی مطالعه می کردم، هم به ویتنامی، هم به انگلیسی. گاهی حس می کردم می توانم خیلی بهتر از نویسندگانی که آثارشان را می خوانم بنویسم، حتی جملات آن ها را اصلاح می کردم. یک بار در ویتنام به خدمتکارمان گفته بودم به سن و سال من نگاه نکن خیلی بیشتر از سن خودم می فهمم. او هم قضیه را به مادرم گفت و مادرم کلی شاکی شده بود. حس می کردم هر چه را می بینم باید به همه دنیا بگویم و نوشتن بعد از عکاسی بهترین وسیله بیان من بوده. با این همه سعی می کنم از آن احتراز کنم. تولدتان در کشوری جنگ زده چه تأثیری بر آثارتان داشت؟ با در نظر داشتن این واقعیت که در دوران جنگ ویتنام کودکی بیش نبوده اید. پدرم از صاحب منصبان ارتش ویتنام جنوبی بود. من هم بچه محیط نظامی بودم. البته بسیاری از آثار جنگ را در جبهه ها دیده ام. بیوه زن ها، بچه های یتیم و دهکده های سوخته را دیده ام. در واقع نوشتن من ادای دینی است به آن چه در دوران کودکی از سرگذرانده ام.

به رغم همه این مصائب که از سر گذرانده اید در داستان های تان طنزی نهفته است که گاه بسیار تلخ می نماید، چه طور توانسته اید در این شرایط لحن طنز را هم برسانید؟

در روزنامه نگاری لحن جدی و جا افتاده ای دارم. شاهد چنان مصائبی بوده ام که لحن ام جدی و تلخ می شود. اما در داستان نویسی آزادتر عمل می کنم. آن هایی که فقط مکالمات مرا خوانده اند تصور می کنند پیرمردی عبوس باشم که لحن تلخی دارد. در واقع دوستان نزدیکم شهادت می دهند که در جمع دوستان بسیار شوخ هستم.

کدام نویسنده ها را به عنوان الگوی خود می شناسید؟

کم نیستند. گابریل گارسیا مارکز، داستایفسکی علی الخصوص. ناباکف و فلائری اوکانر. در میان معاصران جوانتر به کسانی که آثارشان در محدوده مرزهای جغرافیایی نمی گنجد مثل مایکل اونداتیه، کازوئو ایشی گورو، تیموتی مو و دیوید مآلوف.

سخت ترین چیزی را که می خواهی درباره اش بنویسی، چیست؟

پدرم. می خواهم یکی مثل او را در قالب رمانی به تصویر بکشم. باید صبر کنم. کسی است که بسیاری از جنبش های قرن بیستم را پشت سر گذاشته. استعمار، ملی گرایی، کمونیسم، سرمایه داری و سرانجام جهان وطنی و یا جهانی شدن.

نخستین واکنش شما در مقابل پیام من که خواسته بودم اجازه بدهید داستانتان را به فارسی ترجمه کنم چه بود؟ با در نظر گرفتن این نکته که من هم از کشوری جنگ دیده تماس می گرفتم؟

ابتدا تعجب کردم بعد خوشحال شدم. اصلاً برایم قابل تصور نبود که داستان های من در کشور شما مورد استقبال قرار گیرد. علت شاید ناآگاهی من بود که خیال می کردم کشوری محافظه کار باشید و یکی با سلاطین خاص من نمی تواند آن جا حرفی برای گفتن داشته باشد.

آندرو لام حالا چه فکر می‌کند که به ویتنام برگشته و در هانوی فیلم مستند می‌سازد؟ الان چه حسی دارید درباره جنگی که خانواده‌ها را از هم پاشیده؟

جنگ و مسائل بعد از آن در اساس جان مایه ادبیات است. خانواده من به دنبال جنگ از هم پاشیده و اعضای آن در سه قاره پراکنده‌اند. ما از جدایی رنج می‌بریم و این که با گذشته و سرزمین مادری مان ارتباطی نداریم، دردآور است. کار مستند تلویزیونی یا رادیویی و نوشتن مفری است برای دغدغه‌های من که فضایی بیافرینم و این مردمان گسسته از هم را دور هم جمع کنم.

با دوستان که بحث می‌کردیم و داستان‌های شما را می‌خواندیم و در کنار آن یادداشت‌هایتان را درباره جنگ بالکان و ویتنام دیدیم، دوستان و خود من داستان قصه‌های مادر بزرگ و سنگ قلاب و سوکارهای بر آبی دریا را پسندیدیم. اگر قرار باشد خودتان انتخاب کنید کدام داستان‌ها را معرفی می‌کنید؟

بهترین داستانم را قصه‌های مادر بزرگ می‌دانم اما داستان سنگ قلاب را هم که صدای دخترانه‌ای را به گوش می‌رساند دوست دارم. سوکاره در اصل رویکرد خودم به هراس از ترک کشور بود. الان کارم زیاد شده و انتخاب در میان تازه‌های آثارم دشوار است.

پیامی هم دارید؟

نه. از ارتباطی که برقرار کرده‌اید سپاسگزارم. امیدوارم روزی برسد که شما را در کشور خودتان یا سان‌فرانسیسکو ببینم.

متشکرم و امیدوارم موفق باشید.

بعد التحریر: البته به مدد همین ارتباطی که برقرار شد، آندرو لام به آرزوی خود رسید و در سال ۱۳۸۰ به دعوت مرکز گفت‌وگوی تمدن‌ها به ایران آمد و با نویسندگان و مترجمان ایران بیشتر آشنا شد.